

دکتر آیو آدوویا ، دوم قرن‌تیان ، جلسه ۹ دوم قرن‌تیان ۸ ، فیض بخشش

آیو آدوویا و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر آیو آدوویا در حال تدریس در مورد دوم قرن‌تیان است. این جلسه ۹، دوم قرن‌تیان ۸، فیض بخشش است.

در دو جلسه بعدی، به دوم قرن‌تیان ۸ و ۹ خواهیم پرداخت، اما چون این دو بخش به هم مرتبط هستند، می‌خواهیم یک مقدمه کلی ارائه دهیم.

در این دو فصل، ۸ و ۹، پولس به موضوع جمع‌آوری اعانه می‌پردازد، چیزی که نقش بسیار مهمی در خدمت، رسالتی او ایفا کرد. اگرچه پولس به هیچ وجه برای خود و برای حمایت شخصی درخواست کمک مالی نکرد، با این وجود حدود ۱۰ سال را صرف جمع‌آوری کمک مالی برای چیزی کرد که معمولاً به عنوان جمع‌آوری اعانه از آن یاد می‌شود. مانند دوم قرن‌تیان ۱:۷، این دو فصل به شکل یک بحث فرعی هستند، اما نکته عملی نامه را به طور کلی بیان می‌کنند.

به همین دلیل، آنها در الهیات پولس اهمیت دارند. به طور خاص، این متون به عنوان بخشی از استدلال کلی پولس در دفاع از صداقت خود به عنوان یک رسول، به رابطه او با کلیسای قرن‌تس مربوط می‌شوند. در واقع، بن ویتزینگتون، محقق عهد جدید، آنها را یک حرکت بلاغی جسورانه می‌نامد.

او دوم قرن‌تیان ۸ و ۹ را اینگونه می‌بیند. فکر می‌کنم با این موافقم. تا اینجا، پولس در رابطه‌اش با قرن‌تیان، به عبارت دیگر، کمی محتاطانه عمل می‌کرد. و البته، جدیدترین سوءتفاهم آنها به تازگی برطرف شده است.

اما پولس رسول حاضر است همه چیز را به نفع چشم‌انداز بزرگتر خود برای رابطه بین کلیساهای غیریهودی خود و کلیسای مادر یهود در اورشلیم به خطر بیندازد. بنابراین، آنچه در فصل‌های ۸ و ۹ می‌بینیم، پولس به قرن‌تیان فرصت دیگری می‌دهد تا با پاسخ به اصرار او برای تکمیل قربانی به تعویق افتاده برای مقدسین فقیر در اورشلیم، اصالت و اعتماد خود را به او نشان دهند. می‌بینید، اتفاقی که افتاد این است که به دلیل رابطه فرسوده بین پولس و قرن‌تیان، قرن‌تیان مدتی است که متوقف شده‌اند.

پولس جمع‌آوری اعانه را در میان کلیساهای غیریهودی انجام داده بود و این جمع‌آوری به طور خاص برای کلیسای اورشلیم در نظر گرفته شده بود، جایی که مؤمنان به دلیل قحطی که در اواسط تا اواخر دهه ۴۰ میلادی منطقه را ویران کرده بود، با دوران سختی روبرو بودند. هدف از این جمع‌آوری دو چیز بود. اول این جمع‌آوری برای رفع نیازهای کلیسای اورشلیم طراحی شده است، بنابراین بیانگر وابستگی متقابل مؤمنان در سراسر جهان است.

دوم، هدف این بود که ماهیت کلیسا را به عنوان نهادی فراتر از مرزهای ملی و جغرافیایی نشان دهد، چیزی که امروزه هنوز هم باید در نظر داشته باشیم. این مجموعه به انتظار یهودیان مربوط می‌شود که در روزهای آخر، غیریهودیان با هدایا به اورشلیم خواهند آمد، بنابراین این یک نمایش ملموس از جوهره انجیل بود مبنی بر اینکه همه در مسیح برابرند. یعنی، در مسیح، نه یهودی وجود دارد نه یونانی، نه بربری نه سکایی، نه برده نه آزاد، نه مرد نه زن، همانطور که در غلاطیان ۳:۲۸ می‌بینیم. زمان جمع‌آوری خود بسیار آموزنده است.

پولس تصمیم گرفت تا زمانی که مطمئن نشد برخی از مسائل حل نشده بین او و قرنطیان حل شده است، در مورد این مجموعه ننویسد، که نتیجه آن اعتماد به نفسی است که در آیه 7:16 از خود نشان داده است. می بینید، این همان حکمت شبانی است. وقتی اوضاع در کلیسا خوب پیش نمی رود، نباید کمک مالی جمع آوری کرد. وقتی مشکلاتی برای حل وجود دارد، مهم است که پولس صبر کند تا اوضاع آرام شود، و سپس مهم است که این بخش با آنچه خدا در مسیح انجام داده است، شروع و پایان یابد.

و این خیلی مهم است. به نظر می رسد که این یک امر فراگیر است. با کاری که خدا در مسیح انجام داده است، آغاز می شود.

این با فیض خدا در آیه ۸:۱ آغاز می شود و سپس با فیض خدا در آیه ۹:۱۵ پایان می یابد. بنابراین، خواهید دید که آن دو آیه چیزی را تشکیل می دهند که ما آن را «شمول» می نامیم. این موارد باید در نظر گرفته شوند. بنابراین، در فصل های ۸-۹، پولس به مجموعه فعلی می پردازد که او در میان کلیساهای مبلغ خود در غلاطیه، اخائیه، آسیا و مقدونیه، برای کمک به فقرا یا تسکین وضعیت اقتصادی جامعه اورشلیم، ترویج می کرد.

قبل از ادامه، نکته دیگری را مطرح کنیم. در اینجا پولس تلاش می کند تا نیازهای مؤمنان در اورشلیم را برآورده کند. همیشه این بحث وجود داشته که آیا باید بشارت باشد یا اقدام اجتماعی.

این یک دوگانگی کاذب است. بشارت دادن و اقدام اجتماعی دست در دست هم پیش می روند. این مهم است.

بگذارید از جان و سلی نقل قول کنم. هیچ تقدسی بدون تقدس اجتماعی وجود ندارد. وقتی در مورد تقدس صحبت می کنیم، تقدس اجتماعی مطرح است.

به عبارت دیگر، ما باید مشارکت کنیم. در اینجا پولس درگیر چیزی می شود که ما آن را کار امدادی می نامیم. منظورم این است که امروزه بخشی از مسیحیت وجود دارد که کار امدادی را کم اهمیت جلوه می دهد و می گوید، خب، تنها کاری که ما باید انجام دهیم این است که از روح مردم مراقبت کنیم و خدا به آنچه نیاز دارند رسیدگی خواهد کرد.

یا این یا آن نیست؛ هر دو است، و. همانطور که گاهی اوقات می گویم، قبل از اینکه برای مردم موعظه کنی، به آنها ماهی سالمون بده. تو ماهی سالمون می دهی.

ببینید، قبل از موعظه، برایشان ماهی سالمون تهیه کنید. بعد از خوردن ماهی سالمون، شاید آماده باشند که به موعظه گوش دهند. این فقط یک نکته فرعی است.

اما حداقل ما این نکته را از پولس یاد می گیریم. این خیلی مهم است. اما قطعاً، اوضاع در مورد نگرش قرنطیان نسبت به این مجموعه خراب شده است.

چون اوضاع خوب نبود، آن را متوقف کردند. اما این قربانی بسیار مهم است. به نظر می رسد که در خدمت رسولی پولس بسیار مهم بوده است.

چرا این را می دانیم؟ او با وجود خطراتی که می دانست در اورشلیم در انتظارش است، در رساندن پیام شخصی خود پافشاری کرد. این را در اعمال رسولان فصل ۲۰، آیه ۳ و آیه ۲۳، و فصل ۲۱، آیه ۴، آیات ۱۰ تا ۱۵ می بینیم. همانطور که پولس در پی تحقق وعده خود مبنی بر کمک مالی به کلیسای مادر بود، پروژه جمع آوری کمک ها در ادامه اخلاق عهد عتیق بود.

ما این را در لاویان فصل ۱۹، آیات ۱۷ تا ۱۸، و میکاه فصل ۶، آیه ۸ می‌بینیم. و البته، رسم خیریه در یهودیت. شما این را در متی فصل ۶، آیه ۲ می‌بینید. مهمتر از آن، این جمع‌آوری با آموزه‌های عیسی در مورد کمک به فقرا مطابقت داشت. در متی فصل ۵، آیه ۴۲، فصل ۶، آیه ۲. عیسی در مورد ماهیت روابط متقابل بین شاگردانش تعلیم داد.

بنابراین، پولس چه می‌کند؟ پولس چنین عشق برادرانه خودجوشی را که اکنون توسط رابطه‌ای جدید با خدا از طریق روح القدس ایجاد می‌شود، در قلب اخلاق مسیحی حفظ کرد. نگرانی پولس برای نیازهای دیگر مؤمنان، بیانگر رفاقتی بی‌نظیر بود که همه آنها در مسیح از آن برخوردار بودند. می‌بینید، فراتر از این اهمیت عملی اساسی، این مجموعه از نظر الهیاتی برای پولس اهمیت داشت.

این یک نمایش الهیاتی از همبستگی کلیسای متشکل از یهودیان و مؤمنان غیریهودی خواهد بود. وابستگی متقابل آنها، بدهی معنوی آنها، بدهی معنوی غیریهودیان به کلیسای اورشلیم، و همچنین وحدت و برابری یهودیان و غیریهودیان در مسیح، به طور ملموس آشکار یا نمایش داده خواهد شد. پولس احتمالاً امیدوار بود که این مجموعه، سوءظن یهودیان در مورد مأموریت غیریهودیان را کاهش دهد.

با این حال، این نوعی مالیات معبد مسیحی نبود. این چیزی نیست که هست. این به معنای به رسمیت شناختن ضمنی برتری کلیسای مادر نیست، نه، و نه در درجه اول یک زیارت آخرالزمانی مسیحیان غیریهودی به اورشلیم بود تا یهودیان بی‌ایمان را با واقعیت نجات، هدیه نجات به غیریهودیان، روبرو کنند یا آنها را از طریق حسادت به پذیرش انجیل سوق دهند.

هدف این هدیه اصلاً این نیست. پولس فقط کاری را که لازم بود انجام می‌داد، زیرا به کلیساها کمک می‌کرد. پولس معتقد بود که غیریهودیان که در برکات معنوی یهودیان سهیم هستند، وظیفه دارند در برکات مادی به آنها خدمت کنند و امیدوار بود که کلیسای اورشلیم به سمت جلال دادن خدا حرکت کند.

این را بعداً در فصل ۹، آیات ۱۲ تا ۱۴ می‌بینیم. این مجموعه می‌توانست آنها را وادار کند تا واقعیت پیوند رفاقت بین خود را به عنوان اعضای ممتاز و برابر بدن مسیح ببینند. در واقع، پولس از رومیان می‌خواست که با او دعا کنند تا قربانی تکمیل شده تا زمانی که او می‌نویسد، با این روحیه پذیرفته شود.

علاوه بر این، رومیان نشان می‌دهد که قرن‌تین در جمع‌آوری هدایا کاملاً همکاری کردند. ما این را در رومیان فصل ۱۵، آیات ۲۳ تا ۲۸، و فصل ۱۶، آیه ۱ می‌بینیم. روایت لوقا در اعمال رسولان ۲۱، ۱۷ تا ۲۰ ظاهراً نشان می‌دهد که این هدایا با قدردانی پذیرفته شده است. پولس در اول قرن‌تین ۱۶ دستورالعمل‌هایی ارائه می‌دهد.

بنابراین، می‌بینیم که همه این اتفاقات در حال رخ دادن است. منظورم این است که باید این مقدمه را بیان کنیم زیرا به این دو فصل نگاه می‌کنیم. آنچه می‌بینیم پولس در اینجا به کار می‌برد، چیزی است که ما آن را خطابه‌های سنجیده می‌نامیم، که معطوف به مجموعه است، اما همچنین به نفع اعتبار او نزد قرن‌تین نیز هست.

بی‌گناهی و صداقت خود پولس و اعتماد و اطمینان قرن‌تین به او. ببینید، تکمیل جمع‌آوری توسط قرن‌تین هر دوی این موارد را نشان می‌دهد. اعتماد و اطمینان قرن‌تین به پولس.

این خیلی خیلی مهمه. حالا، این رو در نظر داشته باشیم. بیایید این رو بگیم.

ببینید، در روابط اجتماعی و اقتصادی زمان پولس، چیزی وجود داشت که ما آن را حمایت و مشتری می‌نامیم. شما حامی و مشتری دارید. این اغلب بین افرادی اتفاق می‌افتد که به دلیل نیاز مالی از جایگاه اجتماعی یکسانی برخوردار نیستند.

در آن زمان هیچ موسسه وام دهنده، بانک، تعاونی و آژانس مالی وجود نداشت و شبکه‌های تامین اجتماعی که بدیهی فرض می‌شدند، وجود نداشتند. بنابراین، حمایت شخصی در آن برهه از زمان یک ضرورت عملی بود. بنابراین، با وجود تمام مزایای اقتصادی همراه با روابط حمایتی، پیامدهای اجتماعی نیز وجود داشت.

مسائل مربوط به آبرو و شرم در رابطه‌ی حامی-پیرو دخیل بودند. بنابراین، دادن و پذیرفتن هدایا یا لطف‌ها دریافت‌کنندگان را در نقشی پایین‌تر و موظف به پاسخگویی به حامیان خود با قردانی و احترام قرار می‌داد. چنین روابطی دوستی بین افراد برابر نامیده می‌شد، اما این برجسب فقط پوششی مودبانه برای چیزی بود که در واقع یک رابطه‌ی حامی-پیرو بود.

به نظر می‌رسد پولس به این نتیجه رسیده بود که نمی‌تواند از قرن‌تیاں مانند فیلیپیان کمک مالی دریافت کند. در غیر این صورت، او در یک رابطه قدرت اجتماعی پایین‌تر تحت سلطه حامیان ثروتمند قرن‌تیاں قرار می‌گرفت. می‌بینید، این بخشی از مشکلی بود که پولس با قرن‌تیاں داشت.

او قرار نبود از آنها پول بگیرد، و چون قرار نبود از آنها حمایت دریافت کند، آنها فکر می‌کردند که او آنها را دوست ندارد. در حالی که پولس آماده نبود که خود را به عنوان موکل این قرن‌تیاں تحت نظر آنها قرار دهد. منظوری این است که در این فصل و البته فصل بعدی، در فصل‌های ۸ و ۹، نکات زیادی برای بررسی وجود دارد. بر اساس آشتی و صمیمیت شخصی، که اکنون در فصل ۷، آیات ۱۴ تا ۱۶ دیده‌ایم، پولس در پی آن است که قرن‌تیاں را ترغیب کند تا سهم خود را از هدایای کلیسای اورشلیم تکمیل کنند.

او همچنین فیض بخشش مسیحی را در مورد وضعیت آنها به کار می‌برد. او درخواست خود را به سه مرحله تقسیم می‌کند. اول، او به آرامی درخواست می‌کند که هدایا در فصل ۸، آیات ۱ تا ۱۵ تکمیل شوند.

سپس، در وهله دوم، او تمهیدات کافی برای تحویل قربانی به اورشلیم را در فصل ۸، آیات ۱۶ تا فصل ۹، آیه فراهم می‌کند. سپس، در نهایت، در فصل ۹، آیات ۶ تا ۱۵، بر برکات چنین سخاوتی در بخشش تأکید ۵ می‌کند. بنابراین، استراتژی بلاغی پولس را می‌بینید. او با کلمه فیض، کاریس، بازی می‌کند.

با معانی مختلفی استفاده می‌کند که charis در طول این دو فصل، پولس با این کلمه بازی می‌کند. او از کلمه در ادامه متوجه آنها خواهیم شد. در بررسی فصل‌های ۸ و ۹، به این دلیل به آن خواهیم پرداخت که او در فصل ۸، آیه ۱، آیه ۴، آیه ۶، آیه ۷، آیه ۹، آیه ۱۶، آیه ۱۹ و سپس در فصل ۹، در آیه ۸، آیه ۱۲، آیه ۱۴، آیه ۱۵ از آن استفاده می‌کند.

بنابراین، این دو آیه سرشار از فیض هستند. استراتژی بلاغی پولس را در اینجا می‌بینید. او، همانطور که قبلاً گفتیم، از فیض برای تشکیل یک شمول استفاده می‌کند و آن را مانند پایان‌های یک کتاب ادبی قرار می‌دهد.

معنای شمول در این متن همین است. و نکته جالب توجه این است که تمام نامه‌های پولس شامل نوعی کاریس در ابتدا و انتها هستند. تمام نامه‌های پولس.

با فیض شروع می‌شود و با فیض پایان می‌یابد. بنابراین، در فصل ۸، بیایید به آنجا برویم، او تکمیل قربانی را تشویق می‌کند. با شروع از آیه ۱. ما می‌خواهیم شما، برادران و خواهران، درباره فیض خدا که به کلیساهای مقدونیه عطا شده است، بدانید.

زیرا در طول یک مصیبت سخت، شادی فراوان و فقر شدید آنها، سخاوت و بخشش فراوانی را از جانب آنها به ارمغان آورده است. در این مورد فکر کنید. سه نکته مهم وجود دارد که در ابتدای این فصل به آنها خواهیم پرداخت.

پولس تا رسیدن به آیه ۷ مستقیماً درخواستی نمی‌کند. بنابراین، او فقط رفت و شروع به صحبت کرد. او از آنها درخواست می‌کند؛ او تا آیه ۷ درخواستی نمی‌کند. او با این جمله شروع می‌کند: «ای برادران و خواهران می‌خواهیم شما از فیض خدا که به کلیساهای مقدونیه عطا شده است، آگاه شوید.» بنابراین، درخواست تا آیه ۷ مطرح نمی‌شود. دوم، او از کلمه محبت استفاده می‌کند.

او با خطاب کردن آنها به عنوان برادران و خواهران، آگاپتوی، عزیزان، شروع می‌کند. او اینگونه شروع کرد. حالا، او قطعاً می‌دانست که چه می‌کند.

او با سخاوت مقدونی‌ها شروع کرد. او با ظرافت و احتیاط به موضوع جدید و حساس پول می‌پردازد. و همه ما می‌دانیم که حتی اکنون، موضوع پول هنوز در خدمت بسیار بسیار مهم است.

اگر یک وزیر بتواند در امور مالی درستکاری داشته باشد، باید به چنین شخصی آفرین گفت زیرا این همان جایی است که بسیاری از وزیران در آن لغزش خورده و سقوط کرده‌اند. و بنابراین، پولس بسیار مراقب بود. درستکاری در امور مالی، درستکاری در امور مالی و مدیریت مالی بسیار بسیار مهم هستند و کلید موفقیت یک خدمت می‌باشند.

باز هم، پولس قبلاً در فصل ۷، در فصل ۶، گفته است که ما نباید کسی را آزرده خاطر کنیم. ما هیچ مانعی سر راه کسی قرار نمی‌دهیم. ما باید مطمئن شویم که وقتی صحبت از امور مالی می‌شود، آن را درست انجام می‌دهیم.

بنابراین، او با درخواست پول شروع نکرد. او با ظرافت حرکت می‌کند. او موضوع فیض را مشخص می‌کند.

بنابراین، اولین چیزی که باید به آن توجه کنیم این است که او تا آیه ۷ مستقیماً درخواستی نمی‌کند. او به آنها متوسل می‌شود. او از کلمه محبت استفاده می‌کند. دوم، اولین استفاده از کلمه فیض است که به بخشش مربوط می‌شود.

نذر مقدونیان ریشه در رابطه آنها با خدا دارد. به همین دلیل، پولس آن را فیض خدا می‌نامد. و نکته سوم این است که او نمونه‌ای از مقدونیان ارائه می‌دهد که اگرچه تحت آزار و اذیت قرار گرفتند و بسیار فقیر بودند، اما سخاوتمندانه نذر کردند.

این، در واقع، گواه عشق و لطف است که هر دو انگیزه کافی برای بخشش را تشکیل می‌دهند. عشق و لطف انگیزه بخشش خواهند بود. بنابراین، ما شروع به بررسی متن از آیه ۱ می‌کنیم. او موضوع خود را لطف خدا معرفی می‌کند.

برادران و خواهران، می‌خواهیم شما درباره فیض خدا بدانید. یعنی فیضی که داده شده است یا فیضی که از جانب خدا به کلیساهای مقدونیه می‌رسد. در اینجا بسیار جالب است که پولس از یک کلمه در زمان کامل استفاده می‌کند.

و می‌دانید، وقتی درباره زمان کامل صحبت می‌کنیم، درباره چیزی صحبت می‌کنیم که انجام شده اما اثرش ادامه دارد. در گذشته انجام شده، اما اثرش ادامه دارد. و بعد می‌گویید، شما درباره لطف خدا که داده شده است، می‌دانید.

در زمان کامل آمده است. یعنی نشان می‌دهد که فیض هنوز در زندگی آنها مؤثر بوده there کلمه یونانی است. این فقط یک فیض یک‌باره نبوده است.

این فیضی است که ادامه دارد. و همانطور که گاهی اوقات می‌گوییم، کلید، هدیه‌ای که پیوسته می‌بخشد. این دقیقاً همان چیزی است که در زندگی مقدونی‌ها اتفاق می‌افتد.

این فیضی است که پیوسته می‌بخشد. این فیضی است که پیوسته است. بنابراین، اینطور نیست که وقتی آنها بخشیدند، فیض داشتند، اما فیض از بین رفته است.

نه، این کلیسایی بود که سرشار از فیض و رحمت بود. ما می‌دانیم که پولس کلیساهایی را در شمال یونان در استان مقدونیه، در فیلیپی، در تسالونیک، در بیره بنا کرد.

. و پولس اکنون به این الگو استناد کرد. او به برادران و خواهران روی می‌آورد. آدلفوی

. اینجا، بلکه آدلفوی. خواهر و برادر با هم

معمولاً مردم آن را به عنوان برادر ترجمه می‌کنند، اما اینها برادران و خواهران هستند. برادران و خواهران در قرن‌هاست ممکن است در تجربه خود فیض خدا را که کلیساهای مقدونیه را برانگیخت و قادر ساخت تا سخاوتمندانه و مشتاقانه برای این مجموعه کمک کنند، بشناسند. فیض به عنوان هدیه نجات آزادانه خدا در مسیح، در قلب الهیات پولس قرار دارد.

الهیات پولس، الهیات فیض است. همانطور که قبلاً گفتیم، به خاطر داشته باشید که این یک فیض مسئولانه است. همه چیز از آن، از فیض خدا، سرچشمه می‌گیرد.

الهیات پولس، بیش از هر چیز، الهیات فیض است، الهیاتی که حتی کاربردی‌ترین نوشته‌های او را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. درودهای او در ابتدای نامه‌ها شامل فیض از جانب خدا، پدر ما، و از جانب خداوند عیسی مسیح برای شماس است. دعای وداع او این بود: فیض خداوند عیسی مسیح با همه شما باد.

بنابراین، پس از اعلام فیض در آیه ۱، پولس اکنون در آیات ۲ تا ۴ توضیح می‌دهد که چگونه آن فیض در توصیف وضعیت آنهاست C. زندگی مقدونیان آشکار شد. فیضی که آشکار بود.

در میانه‌ی مصیبتی سخت. مصیبتی سخت. این یعنی چه؟ مصیبتی سخت که ناشی از مصیبت است.

و بعد، درباره فقر عمیق صحبت می‌کند. فقر عمیق، همانطور که در انجیل استاندارد جدید آمریکایی آمده است. فقر عمیق.

در مقدونیه، آزار و اذیت باعث شادی شد. ما این را در فصل ۷، آیه ۴ می‌بینیم. و این جالب است. آزار و اذیت باعث شادی شد و فقر باعث سخاوت.

چطور؟ این هم یک قدرت دیگر است. این کاری است که فیض خدا انجام می‌دهد. می‌دانید، وقتی جفا و آزار هست، وقت شادی نیست، اما برای مقدونی‌ها، این اتفاق افتاد.

و سپس، فقر منجر به سخاوت شد، زیرا لطف خدا در کار بود. می‌بینید، میزان فقر آنها احتمالاً به دلیل عوامل مختلفی بود. شاید یکی از این عوامل این باشد که آنها از نظر اجتماعی طرد شده بودند.

آنها به دلیل ایمان مسیحی خود و همچنین وضعیت اقتصادی عمومی مقدونیه، آزار و اذیت زیادی را تجربه کرده بودند. بنابراین، از دو جهت، اوضاع آنها واقعاً بد بود. از نظر ایمان مسیحی، آنها منزوی، طرد شده و مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند.

از نظر چشم‌انداز کلی اقتصادی مقدونیه، اوضاع خیلی بد بود. منظورم این است که این همان چیزی است که مارگارت ترال در تفاسیر بین‌المللی خود بر عهد جدید مطرح کرده است. می‌توانید آن را در صفحات ۵۲۲ تا ۵۲۳ ببینید.

و می‌گویند وضعیت اقتصادی بسیار وخیم بوده است. اما جالب است. می‌گویند که درباره فقر شدید ناشی از سخاوت و ثروت فراوان صحبت می‌کند.

در ثروت سخاوت. کلمه سخاوت در اینجا به معنای سخاوت است. سخاوت به معنای بخشندگی است.

این چیزی است که آنها به وفور ارائه دادند. اصطلاحی که در اینجا استفاده می‌شود، برای برخی از زمینه‌های رأی‌گیری بسیار منحصر به فرد است. معنای معمول آن معمولاً سادگی، صداقت یا صراحت است.

اما در اینجا، سخاوت معنای گسترده‌تری از آن کلمه است. آنها بسیار سخاوتمند بودند. شادی فراوان، و فقر شدید در ثروت سخاوت سرریز شده است.

شما اینجا دو تضاد می‌بینید: رنج و شادی، فقر و ثروت. این تضادها درس ارزشمندی را ارائه می‌دهند که باید بیاموزیم.

شادی ایماندار هیچ ارتباطی با شرایط بیرونی ندارد. مسیحیان می‌توانند در بحبوحه رنج و آزار شادی را تجربه کنند. ما باید این را از این متن بیاموزیم.

و ما این را در سراسر کتاب مقدس می‌بینیم. عیسی در متی فصل ۵ در بخش خوشحالها گفت، خوشا به حال شما وقتی که به خاطر عدالت آزار می‌بینید. او گفت شاد باشید و بسیار شادی کنید.

ما نمونه رسولان، شاگردان اولیه، را در اعمال رسولان فصل ۵، آیه ۴۱ می‌بینیم. آنها بعد از کتک خوردن و از این چیزها بیرون رفتند. آنها با شادی بیرون رفتند.

و البته، در یعقوب فصل ۱ آیه ۲، پولس خطاب به تبعیدیان و کسانی که در خارج از کشور پراکنده شده بودند، می‌نوشت. به یاد داشته باشید، تبعیدیان کسانی هستند که از آسایش خانه‌های خود آواره شده‌اند، کسانی که فقیر هستند، کسانی که رنج می‌برند. و او به آنها گفت که شادی کنند.

و اول پطرس فصل ۱، آیات ۶ تا ۷، همین را می‌گوید. ما همه این‌ها را می‌گوییم تا بدانیم که این فقط به مقدونی‌ها محدود نمی‌شد. این چیزی است که باید مشخصه زندگی ما به عنوان ایمانداران باشد.

ما باید از اینکه مخلوق شرایط باشیم، خودداری کنیم. این در مورد مقدونیان صادق است. از این رو، پولس فداکاری والای آنها را به عنوان انگیزه‌ای برای قرن‌تیان می‌داند.

پولس در آیه ۳ می‌گوید، زیرا من شهادت می‌دهم که سخاوت مقدونیان از چهار طریق مشهود بود. من شهادت می‌دهم، شهادت اول اینکه آنها داوطلبانه بر اساس توان مالی خود، حتی فراتر از توان مالی خود کمک کردند. شهادت اول اینکه آنها تا جایی که می‌توانستند، کمک کردند.

و حتی فراتر از توانایی‌شان. آنها بخشیدند. آنها فراتر از منابع محدودشان که معمولاً اجازه می‌داد، بخشیدند.

می‌دانید، گاهی اوقات امروزه، کشیشان کلیسا می‌گویند، لازم نیست بدهی. لازم نیست بدهی، اگر نداری، لازم نیست بدهی. حالا عیسی می‌توانست به زنی که سکه‌ی یک سنتی را به بیوه زن داده بود بگوید، یا می‌توانستند به زن بگویند، سکه‌ات را نگه دار، نده، تو خیلی فقیری که نمی‌توانی بدهی.

نه. درس عبرت بگیر. هیچ‌کس آنقدر فقیر نیست که نتواند ببخشد.

اینجا مقدونی‌ها بودند. زبانی که برای آنها استفاده می‌شد بسیار بسیار قوی بود. آنها بر اساس توان مالی خود، حتی فراتر از توان مالی خود، کمک می‌کردند.

بنابراین، اولاً، آنها تا جایی که می‌توانستند و حتی فراتر از توانایی‌شان کمک کردند. ثانیاً، آنها کاملاً به میل خودشان کمک کردند. آنها فریب نخورده بودند.

آنها دستکاری نشده بودند. هیچ ترفندی در کار نبود. آنها مجبور نیستند برای خرید چیزی پول بدهند.

نه، اصلاً. امروز، ما می‌بینیم که بخشش در خدمت چگونه انجام می‌شود. منظورم این است که، خب، شما این را برای من می‌فرستید، و من این را برای شما برمی‌گردانم.

این یک پیشکش است. اگر شما فلان مقدار دلار یا هر واحد پولی دیگری را پیشکش کنید، ما این کتاب را برای شما ارسال می‌کنیم. خب، این به معنای بخشیدن نیست.

شما فقط یک کتاب می‌خرید. اگر هدیه می‌دهید، فقط هدیه می‌دهید. و آنها کاملاً خودشان هدیه دادند.

این بسیار مهم است. آنها کاملاً بخشیدند، نه اینکه التماس کنند. پولس این کلمه را فقط در اینجا و در که تیطوس را توصیف می‌کند، به کار می‌برد، کلمه‌ای که در اینجا استفاده شده است ۸:۱۷.

جدا از هرگونه اجباری از جانب پولس، مقدونی‌ها داوطلبانه کمک کردند. همیشه مهم است که بدانیم ما داوطلبانه کمک می‌کنیم. این به چه معناست؟ این دو معنی دارد.

به ابتکار خودشان، و شماره ۲، به اراده آزاد خودشان. به ابتکار خودشان و به اراده آزاد خودشان، آنها کمک کردند. با وجود فقر شدید مقدونی‌ها، آنها سخاوتمندانه کمک کردند.

آنها نه تنها بر اساس توانایی خود بخشیدند، بلکه قلب خود را نیز به آن بخشیدند. آنچه برای پولس اهمیت داشت، میزان یا کمیت آنچه که می‌دادند نبود. بلکه روحیه‌ای بود که با آن عمل می‌کردند.

می‌بینید، برای خدا، چند سنت، که از روی فداکاری داده شده باشد، می‌تواند بسیار ارزشمندتر از میلیاردها دلار باشد. این حقیقت است. به همین دلیل بود که پولس از آنها به عنوان نمونه‌ای برای قرن‌تیان استفاده کرد تا از آنها تقلید کنند.

اما او به همین جا بسنده نکرد. به کاری که او انجام داد نگاه کنید. سوم، مقدونی‌ها مصرانه از پولس درخواست امتیاز کرده بودند.

گوش کنید، کلمه‌ای که دوباره استفاده شده است، مراقبت و لطف است. مقدونی‌ها مصرانه از پولس التماس کرده بودند که امتیاز مشارکت در این خدمت به مقدسین را به آنها بدهد. می‌بینید، سخنان پولس بسیار با دقت انتخاب شده‌اند.

برخلاف آنچه مرقس می‌گوید، آنها فشرده اما مهم هستند. کلمه «فوراً» یا «با جدیت» کلمات یونانی را به صورت دیگری بیان می‌کند، که در یونانی به معنای «متابولیس» است. پاراکلسیوس، با تشویق فراوان آنها با فوریت و تشویق فراوان کمک کردند.

چرا پولس این را تکرار می‌کند؟ فقط برای اینکه آنها بدانند فیض به چه معناست. منظورم این است که پولس در آیه اول، سپس در جمله دوم، از فیض به عنوان امتیازی از لطف استفاده می‌کند. و سپس می‌گوید پولس لطف را به عنوان یک سهمیم شدن، سهمیم شدن در خدمت به مقدسین، یعنی در تسکین دادن، در فراهم کردن کمک برای نیازهای مقدسین فقیر تعریف می‌کند.

خیلی خیلی مهم. او با التماس و التماس از ما گفت. می‌دانید، وقتی این را می‌خوانید، از خودتان می‌پرسید، آنها التماس می‌کردند که بدهند.

چطور، چطور، چطور کسی می‌تواند التماس کند که چیزی بدهد؟ مگر نه این است که ما از مردم التماس می‌کنیم که چیزی بدهند، اما این مردم التماس می‌کنند که چیزی بدهند. ظاهراً پولس دلسوز بود، ظاهراً پولس دلسوز بود، و وضعیت آنها را می‌دانست، و انتظار زیادی از آنها نداشت.

یا شاید پولس می‌گفت، حالا ما وضعیت شما را درک می‌کنیم؛ شما خودتان به کمک نیاز دارید، و بنابراین نیازی به آن ندارید، اما آنها التماس کردند که کمک کنند. منظورم این است که او گفت، آنها التماس کردند که کمک کنند، و سپس در آیه پنجم ادامه می‌دهد، و این، نه صرفاً آنطور که ما انتظار داشتیم، بلکه آنها ابتدا خود را به خداوند و به خواست خدا به ما دادند. بنابراین، این چهارمین گواه سخاوت مقدونی‌ها است.

آنها بیش از آنچه پولس انتظار داشت، انجام دادند. آنها از انتظارات او فراتر رفتند، چه در میزان کمک‌هایشان و چه در نحوه‌ی کمک‌هایشان. آنها مطابق با خواست خدا، ابتدا خود را به خداوند و سپس به ما تقدیم کردند.

خیلی مهم، خیلی مهم. پولس در مورد اهمیت، اولویت، اهمیت، بخشش به خدا، و سپس بخشش به آنها، بخشش به وسیله خدا صحبت می‌کند. بنابراین، می‌بینیم که پولس چیزهای زیادی را اینجا می‌گوید.

او وضعیت عاطفی مقدونی‌ها را هنگام بخشش توصیف کرد. آنها با التماس و التماس فراوان برای بخشش دعا می‌کردند. آنها بخشش را یک امتیاز می‌دانستند.

بین، دیگران با بخشیدن و گفتن «خب، برادر پاول، می‌فهمی. منظورم این است که حتی خود خدا هم می‌فهمد که ما نداریم. به همین دلیل است که نمی‌بخشیم.» نه، آنها موقعیت خود را بهانه نکردند.

در واقع، پولس احتمالاً با کمال میل آنها را عفو می‌کرد، اما آنها امتناع ورزیدند. قرار نبود آنها با وجود شرایط دشوار و نیازهای خودشان، از فرصت فیض رساندن به دیگران محروم شوند یا از آنها دریغ شود. اشتیاق مقدونی‌ها برای شرکت در این امر، به پولس اجازه می‌دهد تا از آنها به عنوان الگویی برای قرنطیان استفاده کند.

لازم به ذکر است که پولس، بخشش قرنطیان را در چارچوب تعهد آنها به خدا و وفاداریشان به او به عنوان رسولشان قرار می‌دهد. اشتیاق مقدونیان برای خدمت به خداوند آنقدر شدید بود که اجازه نمی‌دادند دستاوردهای اقتصادی‌شان مانع از مشارکت آنها در فرصت‌های خدمتی شود که برایشان فراهم شده بود. می‌دانید چیست؟ قرنطیان می‌توانند این استنباط‌ها را داشته باشند.

پولس بدون اینکه هنوز به قرنطیان بگوید که کمک کنند، زمینه را فراهم کرد و گفت، به مقدونیان نگاه کنید. فیض خدا در زندگی آنها آشکار شده است. حال، به یاد داشته باشید، او در دوم قرنطیان ۶، که قبلاً به آن نگاه کردیم، به آنها گفت که فیض خدا را بیهوده دریافت نکنید، که گفتیم در مورد آشتی بین پولس و قرنطیان صحبت می‌کند.

این فرصت دیگری برای آنهاست تا فیض خدا را در زندگی خود نشان دهند، و پولس از مورد مقدونی‌ها استفاده می‌کند و می‌گوید، ببینید، اینها مقدونی‌ها هستند. آنها فقیر بودند. آنها در وضعیت وخیمی قرار داشتند.

اقتصادشان بد است، اما چون لطف خدا در زندگی‌شان است، می‌بخشند. اما نه تنها بخشیدند، بلکه سخاوتمندانه بخشیدند، و سخاوتمندانه بخشیدند. نه تنها این کار را کردند، بلکه بیشتر از آنچه انتظار داشتیم بخشیدند.

اما گوش کنید، نه فقط اینکه آنها بیش از آنچه ما انتظار داشتیم بخشیدند، بلکه آنها اول از همه خود را به خدا و سپس به ما بخشیدند. پولس می‌گوید که نتیجه‌گیری کنید. اگر آنها توانستند این کار را انجام دهند، شما هم می‌توانید.

این آنها را شرمنده نمی‌کند، بلکه آنها را تشویق می‌کند. بنابراین، در آیه ۸، شروع می‌شود. ما آن را تا آیه ۶ می‌بینیم. آیه ۷، آیات ۱ تا ۶، در واقع، اتفاقاً، یک جمله به زبان یونانی است.

بنابراین، می‌بینیم که آیات ۱ تا ۶ فقط یک جمله هستند. بنابراین، آیه ۷ یک گزار است.

آیه ۷ یک گزار است. می‌گوید که با آنها صحبت می‌کند که چگونه اکنون ببخشند. بنابراین، بیایید به آیه ۸ برویم. من این را به عنوان یک دستور نمی‌گویم.

من این را به عنوان یک دستور نمی‌گویم. ابداً. بلکه قرار بود برایشان جذاب باشد.

با نگاهی به نمونه‌ی مقدونیان، اکنون پولس قرنطیان را نیز ترغیب می‌کند که در بخشش از دیگران پیشی بگیرند، یا بهتر است بگوییم، از آنها پیشی بگیرند. اشتیاق اولیه‌ی قرنطیان در این پروژه آشکارا کاهش یافته است. آنها در ابتدا مشتاق بودند.

پولس به جای سرزنش قرنطیان به خاطر عدم تکمیل، آنها را به خاطر شور و شوق اولیه‌شان ستایش می‌کند، بنابراین، پولس اکنون به اشتیاق آنها متوسل می‌شود. این همان چیزی است که در آیه ۷ آمده است. اکنون،

همانطور که شما در همه چیز، در ایمان، در گفتار، در دانش، در نهایت اشتیاق و در عشق ما به شما سرآمد هستید.

بنابراین، ما همچنین می‌خواهیم که شما در این کارهای عمومی سرآمد باشید. این پولس است، واقعاً یک کشیش. او قرار بود با آنها صحبت کند.

او گفت، ببینید، قرن‌تین، شما در ایمان، در کلام و در دانش سرآمد هستید. در واقع، می‌دانم که مشتاق هستید. و البته، در عشقی که ما به شما داریم.

بنابراین، ما همچنین می‌خواهیم که شما در این کارهای عمومی سرآمد باشید. بنابراین، پولس اکنون آنها را به سخاوتمندی دعوت می‌کند. و او شروع به صحبت با آنها می‌کند، آیه ۸. من این را به عنوان یک دستور نمی‌گویم، بلکه دارم صداقت عشق شما را در برابر جدیت دیگران می‌آزمایم.

زیرا شما از عمل سخاوتمندانه خداوند ما عیسی مسیح آگاه هستید، که اگرچه ثروتمند بود، اما برای شما فقیر شد تا شما از طریق فقر خود ثروتمند شوید. می‌بینید، چالش پولس از قرن‌تین برای تکمیل قربانی برای کلیسای اورشلیم اکنون در آیات ۸ تا ۱۵ ادامه می‌یابد. رسول شیوه‌ای را که می‌کوشد تا فیض بخشش را مستقیماً و ذاتاً به آنها القا کند، با انجیلی که اعلام می‌کند، پیوند می‌دهد.

به این ترتیب، او معیار بخشش همه مسیحیان را به ما ارائه می‌دهد. پولس این کار را با توسل به یک نمونه الهام‌بخش‌تر از بخشش انجام می‌دهد. او مفاهیم مربوط به وظیفه مشخص پیش رو را استخراج می‌کند.

مثل این است که پولس بگوید، هی، یک دقیقه صبر کنید. اگر مقدونی‌ها برای شما به اندازه کافی مثال نیستند، بگذارید یک مثال دیگر به شما نشان دهم. اگر می‌گویید، خب، مقدونی‌ها، این به خاطر شخصیت آنهاست.

بگذارید مثالی به شما نشان دهم. بنابراین، در آیه ۸، او گفت، من به عنوان یک دستور به شما نمی‌نویسم؛ بلکه از شما می‌خواهم که دیگران، به ویژه مقدونیان، را با جدیت دنبال کنید. او اکنون اینجا صحبت می‌کند. او می‌گوید، من به عنوان یک دستور نمی‌نویسم، بلکه فقط می‌خواهم در مورد آنچه باید انجام دهید با شما صحبت کنم.

پولس قصد دارد با مثالی از جدیت مقدونیان، خلوص عشق قرن‌تین را برانگیزد تا آنها بتوانند کار جمع‌آوری کمک‌های مالی را انجام دهند. در آیه ۸، پولس به سرعت می‌گوید که او بر اساس اقتدار رسولی خود به قرن‌تین دستوری نداده است. جمع‌آوری کمک‌ها قرار بود کاری از روی عشق و خدمتی از روی لطف باشد.

بنابراین، پولس ترجیح می‌دهد که عشق قرن‌تین کمتر از عشق مقدونیان نباشد. و اینکه نمونه‌ی مقدونیان مبنایی برای سنجش واقعیت عشق آنها به او و دیگر مسیحیان باشد. با این حال، پولس معیار بهتری ارائه می‌دهد.

خب، او چه کار می‌کند؟ او داستان عیسی را تعریف می‌کند که اگرچه ثروتمند بود، فقیر شد تا آنها، اگرچه فقیر بودند، ثروتمند شوند. می‌بینید، تصمیم پولس برای مسیح شدن، بدون هیچ شکی، داوطلبانه بود. تجسم مسیح در اینجا قابل مشاهده است.

مسیح در تجسم خود، ثروت خود را فدا کرد تا بشریت بتواند در ثروت معنوی نجات او سهیم شود. فداکاری مسیح، نه رقابت با یک کلیسای محلی یا گروه یا فرقه، باید انگیزه بخشش باشد. بنابراین، در آیه 9، او می‌گوید، شما فیض خداوند ما عیسی مسیح را می‌دانید.

استفاده می‌کند. و اینجا، به اوج اهمیت خود می‌رسد. می‌دانید پولس چه charis او دوباره از کلمه کلیدی می‌کند؟ پولس بر دلیل اصلی تأکید می‌کند.

به همین دلیل است که با ۴ شروع می‌شود. دلیل اصلی که چرا قرن‌تین باید در بخشش و بخشش برتر باشند، الگوی مسیح است. در این مورد، فیض خدا، لطف سخاوتمندانه خداست که در خداوند ما عیسی مسیح نشان داده شده است. پولس اطمینان دارد که الگوی مسیح، قرن‌تین را انگیزه می‌دهد و آنها را قادر می‌سازد تا در جمع‌آوری کمک‌ها مشارکت کنند.

حالا، شما نمی‌توانید در مقابل این مقاومت کنید. اگر از مثال مقدونی‌ها استفاده کنید، جواب نمی‌دهد. و حالا او می‌گوید، خب، اگر به مثال مقدونی‌ها گوش نمی‌دهید، اگر این برای شما خیلی معنی ندارد، بگذارید من با شما در مورد مسیح صحبت کنم.

حالا، چطور می‌توانید از آن ایراد بگیری؟ چطور می‌توانید در برابر آن مقاومت کنید؟ چون خودتان آن فیض را تجربه کرده‌اید. او گفت، شما فیض خدا را در مسیح عیسی می‌دانید. پولس مطمئن است که نمونه‌ی او قرن‌تین را انگیزه می‌دهد و آنها را قادر می‌سازد تا در جمع‌آوری کمک‌ها شرکت کنند.

خیلی مهم. او گفت که ثروتمند است، و فقیر شد. اما نکته کلیدی این است که قرن‌تین می‌دانند که همه اینها برای آنها بوده است.

نکته جالب این است. پولس آن را برای شما قرار می‌دهد، و در آن بند، که در ابتدا قرار می‌دهد، بر نکته‌ای تأکید می‌کند. او به خاطر شما، فقیر شد.

او به خاطر شما فقیر نشد، بلکه به خاطر شما. بنابراین، پولس این را برای تأکید بر آنچه می‌گفت، بیان می‌کند. خب، او به خاطر شما فقیر شد، در حالی که ثروتمند بود، تا شما، از طریق فقر او، ثروتمند شوید.

این ترجمه تحت‌اللفظی اوست، به خاطر تو. بنابراین، او با گفتن «به خاطر تو» شروع می‌کند. وقتی می‌گوید که شما ثروتمند شوید، به غنای معنوی قرن‌تین اشاره دارد.

منظورم این است که پولس با یک نوع پتک محکم به زمین کوبید و گفت، ای قرن‌تین، شما باید در این مورد کاری انجام دهید. شما هیچ بهانه‌ای ندارید. او به خاطر شما فقیر شد.

او مالک همه چیز بود. این درباره کل تجسم مسیح صحبت می‌کند. شما نزول پروردگار ما را از اوج ثروت به فقر فقر می‌بینید.

او گفت، به یاد داشته باشید، روباه‌ها لانه دارند، پرنده‌گان لانه دارند، اما پسر انسان جایی برای گذاشتن سر خود ندارد. به خود خالق فکر کنید. زیرا در ابتدا جهان بود، جهان با خدا بود و جهان خدا بود.

همه چیز به وسیله او آفریده شد، و هیچ چیز بدون او آفریده نشد. او همه چیز را آفرید. او خالق است، و با این حال جلال را ترک کرد، ثروت‌های آسمانی را رها کرد و به خاطر قرن‌تین فقیر شد، و سپس پولس به آنها می‌گوید، شما قرن‌تین، می‌دانید که او هر کاری را که انجام داد به خاطر شما بود.

او انسان شد. او جسم پوشید و البته فقیر شد. او جلال خود را فقط به خاطر شما رها کرد، و اگر این کار را کرد، دلیلی ندارد که شما اکنون عقب نشینی کنید.

مسیح در تجسم خود، ثروت خود را فدا کرد تا بشریت بتواند در ثروت معنوی نجات او سهیم شود. فداکاری مسیح، به جای رقابت، باید انگیزه ما برای بخشش باشد، نه فقط التماس. ما می‌بخشیم زیرا به یک بخشنده سخاوتمند، یعنی خدا، خدمت می‌کنیم که سخاوتمندانه می‌بخشد.

آیا این توصیف یعقوب از او نیست؟ او گفت هر هدیه خوب و کامل از جانب خدا، پدر نورها، می‌آید که سخاوتمندانه می‌بخشد. سخاوتمندانه. و آیا باید این را بگوییم: اگر ما فرزندان خدا هستیم، پس باید شبیه پدرمان باشیم.

ما نیز باید بخشنده‌های سخاوتمندی باشیم. این همان چیزی است که پولس می‌گوید. ما باید درک کنیم که آنچه پولس به قرن‌تیان گفت، امروز نیز به همان اندازه معتبر است.

سپس، به آیات ۱۰ تا ۱۲ می‌پردازیم. با میل و رغبت و بر اساس توانایی. آنچه در آیات ۸ و ۹ یافتیم، نمونه‌ی اعلای آن است.

حال، در آیات ۱۰ تا ۱۲، می‌بینیم که مسیح با میل و رغبت بخشید و قرن‌تیان را نیز ترغیب می‌کند که با میل و رغبت و بر اساس توانایی خود ببخشند. آیه ۱۰، و به این ترتیب من نصیحت خود را ارائه می‌دهم. برای شما که سال گذشته را شروع کرده‌اید، مناسب است که نه تنها کاری انجام دهید، بلکه حتی آرزوی انجام کاری را نیز داشته باشید.

بنابراین، پولس به جای دستور دادن، دوباره نصیحت می‌کند. او گفت، به این ترتیب، من نصیحت خود را می‌کنم. برای شما که سال گذشته شروع کردید، مناسب است که نه تنها کاری انجام دهید، بلکه حتی آرزوی انجام کاری را نیز داشته باشید.

آیه ۱۱، اکنون آن را به پایان برسانید، تا اشتیاق شما با تکمیل آن بر اساس توانایی‌تان هماهنگ شود. اگر اشتیاق وجود داشته باشد، هدیه بر اساس آنچه شخص دارد پذیرفته می‌شود، نه بر اساس آنچه ندارد. از این آیات چه می‌آموزیم؟ آنها سال قبل، شاید بیش از یک سال قبل از اینکه پولس دوم قرن‌تیان را بنویسد، شروع به شرکت در جمع‌آوری کمک‌های مالی کردند.

این عبارت اشتیاق اولیه آنها را برای این پروژه توصیف می‌کند. آنها اولین کلیساهایی بودند که کمک مالی to کردند، اما همچنین اولین کسانی بودند که تمایل خود را برای شرکت در این جمع‌آوری ابراز کردند. فعل در زمان حال به آرزوی دیرینه قرن‌تیان اشاره دارد will.

آنها می‌خواستند شرکت کنند، اما ظاهراً پروژه را رها کرده بودند، احتمالاً به دلیل خصومت بین آنها و رسول آنها آن را رها کردند، و پولس اکنون می‌گوید، خب، من شما را به خاطر کاری که قبلاً انجام داده‌اید تحسین می‌کنم، اما اکنون باید کار را تمام کنید. آنها مجبور بودند کار خود را به نتیجه مناسب برسانند.

هدف این است که تکمیل جمع‌آوری هدایا، شور و شوق اولیه قرن‌تیان را نشان دهد، و به همین ترتیب - مباحث پولس به مقدونیان در مورد این موضوع، به ایجاد انگیزه در آنها برای مشارکت کمک کرده است. آیه ۱۲. اگر اشتیاق وجود داشته باشد، هدیه بر اساس آنچه شخص دارد پذیرفته می‌شود، نه بر اساس آنچه ندارد.

بنابراین، پولس مستقیماً به سراغ کاربرد تمام آنچه تاکنون گفته است، برای خود قرنطیان می‌رود. او آنها را تشویق می‌کند تا تلاشی را که یک سال قبل آغاز کرده بودند، به پایان برسانند. بار دیگر، پولس دستوری صادر نمی‌کند.

او برایشان استدلال می‌کند که اگرچه نیت اولیه‌شان خیر بوده، اما باید آن را عملی می‌کردند، وگرنه نیت خیرشان هیچ است. همیشه می‌گویند راه جهنم با نیت خیر سنگفرش شده است. قصد کردن چیزی با انجام دادن آن یکی نیست.

من قصد دعا دارم. قصد دعا نکن. دعا کن.

من قصد دارم کتاب مقدس را بخوانم. قصد ندارم کتاب مقدس را بخوانم. واقعاً کتاب مقدس را بخوان.

نیت‌ها معمولاً پیروزی نمی‌آورند. باید آن را به عمل تبدیل کنید. اوه، من نیت روزه گرفتن دارم.

بعد، روزه بگیر. من نیت نماز دارم. بعد، نماز بخوان.

من قصد دارم بشارت دهم. پس، شروع به بشارت دادن کنید. من قصد دارم کمک کنم.

سپس شروع به بخشیدن کنید. نیت کافی نیست. اگر نیت خوبی داشته باشید، اما آن را به عمل تبدیل نکنید، هیچ کاری انجام نمی‌دهند.

وقتی ما در کلیسا پروژه‌ای داریم، شما به عنوان خادم آن را می‌شناسید. وقتی ما در کلیسا پروژه‌ای داریم، می‌گوییم، کشیش، من قصد دارم کمک کنم. خب، شما نیت‌ها را به بانک نمی‌آورید.

شما چک‌ها را به بانک می‌آورید. و پولس می‌گوید که شما به قرنطیان نیاز دارید، نه فقط نیت. من به چیزی بیش از نیت شما نیاز دارم.

من به شما نیاز دارم که هدایا را بدهید و آنها را به نتیجه برسانید. بنابراین، در آیات ۱۳ تا ۱۵، پولس درباره درخواستی صحبت می‌کند که مبتنی بر برابری است. او گفت، منظورم این نیست که باید برای دیگران آسایش و برای شما فشار وجود داشته باشد، بلکه مسئله تعادل عادلانه بین فراوانی فعلی شما و نیاز آنها است. تا فراوانی آنها برای نیاز شما باشد تا تعادل عادلانه‌ای برقرار شود.

همانطور که نوشته شده است، کسی که زیاد داشت، زیاد نداشت و کسی که کم داشت، خیلی کم نداشت. پولس قصد نداشت با فقیر کردن دیگران، نیازهای برخی را برطرف کند. در میان قوم خدا، بخشش باید بر اساس اصل برابری باشد، جایی که کسانی که از ثروت برخوردارند، با نیازمندان سهیم می‌شوند.

این اصل به عنوان راهنمایی برای توزیع مساوی مایحتاج زندگی در میان قوم خدا عمل می‌کند تا همه به اندازه کافی آذوقه داشته باشند. می‌بینید، پولس این را با جیره روزانه متناً در بیابان نشان می‌دهد. اگر خروج، فصل آیات ۱۴ تا ۲۲ را بخوانید، می‌بینید که در آنجا همه به اندازه نیازشان جمع می‌شدند، ۱۶.

بنابراین، پولس این موضوع را با جیره روزانه متناً که بنی اسرائیل در طول سفرشان در بیابان دریافت می‌کردند نشان می‌دهد. می‌بینید، در این برهه از زمان که پولس می‌نوشت، قرن‌تس یکی از معدود شهرهای یونان بود که از رفاه مادی برخوردار بود. اگر مؤمنان قرن‌تس حاضر بودند ثروت خود را با مقدسین فقیر اورشلیم به

اشتراک بگذارند، شاید بعدها، مقدسین اورشلیم در موقعیتی قرار می‌گرفتند که به قرنطیان در زمانی که آنها نیز رکود اقتصادی را تجربه می‌کردند، کمک کنند.

پولس در تلاش نبود تا با برابر کردن دارایی‌ها، نوعی سوسیالیسم را به شیوه‌ای که ما می‌شناسیم یا می‌نامیم برقرار کند، نه، بلکه او در پی تسکین پریشانی شدید مؤمنانی بود که از نیاز مادی رنج می‌بردند. وقتی فرصتی برای انجام نوعی فداکاری پیش می‌آید و خداوند از ما می‌خواهد که عمل کنیم، ما نیز باید خلق و خوی مناسبی داشته باشیم و طبق دستور خدا اقدام مناسبی انجام دهیم. این عمل ممکن است شامل زمان و قدرت ما و همچنین پول به عنوان کالا باشد، اما چیزی است که باید یاد بگیریم انجام دهیم.

سپس، بخش بعدی و آخر فصل ۸، آیات ۱۶ تا ۲۴ است، جایی که پولس درباره تیطوس و دیگر برادران صحبت می‌کند. او درباره تیطوس و دیگر برادران صحبت می‌کند. او گفت: «اما شکر خدا را که در دل.» تیطوس همان اشتیاقی را که من برای شما دارم، قرار داد

زیرا او نه تنها درخواست ما را پذیرفت، بلکه از آنجایی که بیش از همیشه مشتاق است، خود به خواست خود نزد شما می‌آید. ما برادری را که در میان تمام کلیساها به خاطر بشارت دادنش مشهور است، با او می‌فرستیم. نه تنها این، بلکه او همچنین توسط کلیساها منصوب شده است تا در حالی که ما این کار سخاوتمندانه را برای جلال خود خداوند و نشان دادن حسن نیت خود انجام می‌دهیم، با ما سفر کند.

ما قصد داریم کسی ما را به خاطر این هدیه سخاوتمندانه‌ای که به شما می‌دهیم، سرزنش نکند، زیرا ما قصد داریم آنچه را که درست است، نه تنها در نظر خداوند، بلکه در نظر دیگران نیز انجام دهیم. و با آنها برادرمان را می‌فرستیم که بارها او را آزموده و در بسیاری از امور مشتاق یافته‌ایم، اما اکنون به دلیل اعتماد فراوانش به شما، مشتاق‌تر از همیشه است. در مورد تیطوس، او شریک و همکار من در خدمت شماست.

در مورد برادران ما، آنها پیام‌آوران کلیساها، جلال مسیح هستند. بنابراین، آشکارا در حضور کلیساها، اثبات عشق خود و دلیل ما برای افتخار به شما را به آنها نشان دهید. می‌بینید، این پاراگراف بینش‌های ارزشمندی در مورد موضوع بخشش و پاسخگویی رهبران به انجام آنچه درست است، ارائه می‌دهد.

داشتن استانداردهای بالا هم در دریافت پول از اولیای خدا و هم در خرج کردن آن، دریافت پول و خرج کردن پول. وقتی از مؤمنان هدایایی دریافت می‌کنیم، هم نحوه دریافت آنها و هم نحوه خرج کردن آنها مهم است.

می‌بینید، کسانی که با پول سر و کار دارند، چه درست و چه غلط، همیشه در معرض بررسی دقیق هستند. همیشه کسی هست که کسی را به سوء مدیریت و جوه متهم کند. حتی پولس هم مخالفان خودش را داشت.

او به داشتن منافع شخصی در این مجموعه متهم شد. آنها او را متهم کردند که یا از آن سهمی می‌برد یا حداقل از آن به عنوان وسیله‌ای برای تبلیغ خود استفاده می‌کند. این را در آیه ۲۰ می‌بینید.

ما قصد داریم که هیچ کس ما را به خاطر این هدیه سخاوتمندانه که مدیریت می‌کنیم، سرزنش نکند. این نشان می‌دهد که مؤمنان انتظار دارند رهبری هر گروه، کلیسا یا سازمان مسیحی، به ویژه در مورد جمع‌آوری و توزیع وجوه، به استانداردهای بالای صداقت پایبند باشد. برای اطمینان از اینکه پول به درستی مدیریت شده و از هرگونه تظاهر به بی‌صداقتی یا بی‌احتیاطی جلوگیری شود، کلیساهای درگیر در پروژه جمع‌آوری مردان قابل اعتمادی را برای مدیریت پول جمع‌آوری شده انتخاب کردند.

تیطوس نماینده پولس برای جمع‌آوری اعانات در قرنتس بود. او نه تنها به پول، بلکه بیشتر به قرنتیان علاقه حیاتی داشت. او می‌دانست که حساست آنها در درازمدت به ضررشان تمام خواهد شد.

بنابراین، در آیات ۲۰ و ۲۱، تفکر پولس را می‌بینیم. منظورم این است که این دو آیه، تفکر پولس را برای ما خلاصه می‌کنند. پولس و همراهانش تمام تلاش خود را می‌کنند تا حتی از متهم شدن به رفتارهای بد ظاهری نیز اجتناب کنند.

بیاید دوباره به کلمه‌ای که از اولین سخنرانی‌مان مدام تکرار می‌کردیم برگردیم. صداقت. به یاد داشتن این کلمه مهم است.

درستکاری در امور مالی. درستکاری، نظارت مالی. می‌بینید، اغلب اوقات، برای پول غیرمعمول است که بگویید نگران این است که مردم درباره او چه فکری می‌کنند.

بیشتر اوقات، از هرگونه مسئولیتی شانه خالی می‌کند. شما در مورد من قضاوت کنید، من اهمیتی نمی‌دهم. قضاوت‌های من با خداست.

من رضایت مردم را جلب نمی‌کنم. شما فقط رضایت خدا را می‌خواهید. اما در این مورد، پولس تا جایی که می‌تواند پیش می‌رود و هر کاری که از دستش بر می‌آید انجام می‌دهد تا هر ناظری، چه مسیحی و چه غیر مسیحی، ببیند که کاری که آنها با وجوه جمع‌آوری شده انجام می‌دهند، کاملاً صادقانه است.

بنابراین به هیچ وجه آرمان مسیح بی‌اعتبار نخواهد شد. این مایه تاسف است. در زمان ما، نمونه‌های متعددی از خادمی را می‌شناسیم که هم در خدمت و هم در خودشان آشفتگی ایجاد کرده‌اند و به دلیل اختلاس‌های مالی، نام مسیح را لکه‌دار کرده‌اند.

شاید به یاد داشته باشید که یهودا، به عنوان حامل کیف پول شاگردان عیسی، وجوه را برای خودش اختلاس کرد. می‌بینید، از آن زمان تاکنون، بارها و بارها پیش آمده که رهبرانی که در بهترین حالت بی‌احتیاط و در بدترین حالت در مورد پول صادق نبودند، با آرمان مسیح بی‌احترامی رفتار کرده‌اند. بنابراین، پولس برای اطمینان از وجود صداقت و درک صداقت چه می‌کند؟ به نظر می‌رسد یکی از کارهایی که او انجام می‌دهد این است که هر زمان که با پول سروکار دارد، رهبری چندگانه‌ای را ایجاد می‌کند تا فقط یک نفر مسئول یک پروژه نباشد.

بنابراین، او سه نفر را به قرنتس می‌فرستد و بعداً، یک هیئت نمایندگی با او خواهد رفت. وقتی او هدیه را به اورشلیم می‌برد، تعدادی از مردم بر وسوسه‌های مالی که می‌توانند بسیار قوی باشند، نظارت می‌کنند و به یکدیگر در این وسوسه‌ها کمک می‌کنند. بنابراین، در مجموع، این بخشی که بررسی کردیم، یک درس مهم به ما می‌دهد.

باید در مدیریت پول کلیسا یا امور مربوط به آن، صداقت کامل وجود داشته باشد. گوش کنید، مانند همسر قیصر، کسانی که امور مالی کلیسا را اداره می‌کنند باید بی‌عیب و نقص باشند. نحوه مدیریت امور مالی باید شفاف و بی‌طرفانه باشد.

شهادت مسیح به این دلیل آسیب دیده است که آیه ۲۱ نقض شده است. بله، درست است که خدا می‌داند چه زمانی نیت‌ها و انگیزه‌های ما صادقانه است، اما همچنین لازم است که آنها برای دیگر ایمانداران و جهان خارج صادقانه و مناسب به نظر برسند. مسیحیان باید از مدیریت نادرست امور مالی خودداری کنند.

،این دکتر آیو آدوویا در حال تدریس در مورد رساله دوم قرن‌تیان است. این جلسه ۹، رساله دوم قرن‌تیان ۸، فیض بخشش است.